

نوع مقاله: پژوهشی

## نقش محمد بن مسعود عیاشی و تفسیر وی در صیانت از حدیث شیعه

اسدالله جمشیدی / استادیار، عضو هیئت علمی گروه تفسیر و علوم قرآن موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

jamshidi@iki.ac.ir  orcid.org/0009-0008-3079-1217

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

### چکیده

تفسیر عیاشی از مهم‌ترین منابع روایات تفسیری شیعی برجای مانده از قرن ۳ و ۴ هجری است. بروز برخی کاستی‌ها که بیشتر مربوط به سند احادیث این کتاب است، جایگاه این اثر و ارج زحمات مؤلف را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است. در این تحقیق به روش «متن‌پژوهی» با دسته‌بندی و تحلیل محتوایی بخشی از روایات این اثر و مقایسه آنها با منابع برجای مانده از ماقبل عصر صفوی، به‌دست آمد که نزدیک به هفتصد حدیث تنها از طریق این کتاب به‌دست ما رسیده و منابع باقی‌مانده قبل از عصر صفوی فاقد این تعداد از روایات است و این روایات در منابع متأخر، تنها از طریق تفسیر عیاشی بازنشر یافته است. بنابراین حفظ و حراست این حجم از روایات و دسترسی امروز ما به آنها وامدار تلاش عیاشی و تفسیر وی و نیز کسی است که به استنساخ این اثر اقدام کرده و زمینه دسترسی نسل‌های بعدی به آن را فراهم آورده است.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر عیاشی، حدیث شیعه، ماوراءالنهر، احادیث تفسیری.

آشنایی با منابع علمی در هر حوزه دانشی از اولین پیش‌نیازهای کار پژوهش است. پژوهش در قرآن نیز از این امر مستثنا نیست. از جمله منابع تفسیر قرآن، روایاتی است که از معصومان علیهم‌السلام نقل شده و در منابع روایی گردآمده است. تفسیر عیاشی از آثاری است که از منابع روایی تفسیر قرآن محسوب می‌شود.

نوشتر حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که جایگاه تفسیر عیاشی، اعتبار و نقش آن در صیانت از حدیث شیعه چیست؟ این کتاب شریف در دهه‌های اخیر از زوایای گوناگون موضوع بررسی قرار گرفته و کوشش‌های قابل توجهی در قالب کتاب و مقاله برای معرفی آن صورت گرفته است.

برخی از محققان گاه در ضمن عناوینی کلی به این اثر توجه نموده و نکات قابل استفاده‌ای بیان داشته‌اند؛ مانند:

– علی‌اکبر بابائی، *مکاتب تفسیری*، تهران، ۱۳۸۱؛

– حمیدرضا فهیمی‌تبار، *اجتهاد در تفسیر روایی امامیه*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۰.

و گاه در قالب مقاله، ابعاد گوناگون این اثر را بررسی کرده‌اند؛ مانند:

– رضا استادی، «تفسیر عیاشی و مؤلف آن»، *چهل مقاله*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۳.

برخی دیگر نیز درصدد تحلیل محتوایی روایات آن برآمده‌اند؛ مانند:

– عبدالرضا حدادیان و سیدرضا مؤبد، «بررسی دلالتی روایات تحریف‌نما در تفسیر عیاشی»، *دوفصلنامه*

*حدیث پژوهی*، سال چهارم، ش ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

و یا به واکاوی روایات ضعیف این مجموعه نظر داشته‌اند؛ مانند:

– مهدی اکبرنژاد، «واکاوی و نقد روایات غلوآمیز درباره امامان علیهم‌السلام در دو تفسیر عیاشی و قمی»، *دوفصلنامه*

*حدیث پژوهی*، ش ۲۲.

برخی دیگر نیز به انگیزه رفع مشکل سندی و یا بازسازی اسناد این تفسیر، نکاتی را متذکر شده‌اند؛ مانند:

– سیدکاظم طباطبائی و طاهره رضی، «تفسیر عیاشی و بازیابی اسناد روایات آن در شواهد التنزیل»، *مقالات و*

*بررسی‌ها*، ش ۷۹، بهار ۱۴۸۵؛

– امید پیشگر و عبدالرضا زاهدی، «بررسی تطبیقی تفسیر العیاشی و آثار شیخ صدوق بر محور اسانید»، *علوم*

*حدیث*، ش ۸۶، زمستان ۱۳۹۶.

به رغم برخی اظهار نظرها (اراکی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴۸) مبنی بر اعراض اصحاب از این منبع روایی که به احتمال قوی، مقصود خودداری از استناد به احادیث این کتاب به‌مثابه منبع احکام فقہی به سبب مرسل بودن روایات آن است، درباره اهمیت و اعتبار این منبع روایی نیز برخی محققان به اجمال نکاتی را مطرح کرده‌اند (استادی، ۱۳۷۱، ص ۹۷-۹۸؛ بابائی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۲۸-۳۳۱). این تلاش‌ها بیشتر بر معرفی مؤلف و تألیف و بیان کاستی‌ها و نقاط ضعف این اثر و پاسخگویی یا حل آنها متمرکز است و کمتر به بیان امتیازات تفسیر عیاشی و مؤلف آن می‌پردازد.

مقاله پیش رو درصدد رفع این کاستی است؛ امری که ضرورت آن به سبب فاقد پیشینه بودنش از آنچه گفته شد، واضح گردید.

بر این اساس، مسئله اصلی این نوشتار تبیین منزلت و جایگاه **تفسیر عیاشی** نسبت آن با منابع هم‌عصرش و نقش آن در صیانت از حدیث شیعه است. این نوشته از نرم‌افزار **جامع الاحادیث ۳،۵**، تهیه شده توسط مرکز رایانه‌ای نور بسیار بهره برده است.

### ۱. معرفی «تفسیر عیاشی»

**تفسیر عیاشی** یکی از مهم‌ترین منابع روایات تفسیری شیعه برجای مانده از قرن چهارم است. این منبع مشتمل بر قریب ۲،۷۰۰ حدیث و شامل روایات تفسیری سوره حمد تا پایان سوره کهف است. به‌طور طبیعی در همین محدوده سوره حمد تا کهف، کتاب صرفاً به آیاتی پرداخته که روایتی ذیل آن نقل شده است. بنابراین ممکن است به برخی از آیات اشاره‌ای نکرده باشد.

بررسی موردی سوره انفال نشانگر آن است که در این تفسیر از مجموع ۷۵ آیه سوره انفال، تنها درباره ۲۷ آیه روایاتی ذکر شده که تعداد آنها به ۸۷ روایت می‌رسد. بخش قابل توجهی از این روایات هم تفسیری محسوب نمی‌شود و آنچه مربوط به تفسیر است گاه در حد توضیح یک کلمه از آیه است.

این در حالی است که **تفسیر نور الثقلین** ۱۸۴ و **تفسیر البرهان** بیش از ۲۳۰ روایت ذیل این سوره نقل کرده که البته همه آنها تفسیری نیست، ولی نشانگر آن است که بخشی از روایات ذیل آیات در **تفسیر عیاشی** منعکس نشده است.

چون **تفسیر عیاشی** مجموعه‌ای روایی است، مؤلف به رسم سایر محدثان، روایات را با سند ثبت کرده؛ ولی در طول زمان، شخصی که نسخه استنساخ شده او از **تفسیر عیاشی** به‌دست ما رسیده، به سبب آنکه از مشایخ حدیثی کسی را نیافته تا کتاب را برای او روایت کند - و شاید به همین علت ذکر سند را لغو دیده - سند روایات کتاب را حذف و به نقل متن روایات آن اکتفا کرده است (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲).

روایاتی از کتاب **تفسیر عیاشی** - حتی به‌طور مسند - در منابع شناخته شده تا قرن ششم دیده می‌شود که حاکی از وجود این کتاب تا این مقطع بین جامعه علمی شیعه است. از اواخر قرن ششم به بعد تا قریب قرن دهم، نقلی از این کتاب در تألیفات صاحب‌نظران به چشم نمی‌خورد (ر.ک. استادی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ همو، ۱۳۷۱، ص ۹۵-۹۶) که می‌تواند نشان از دسترسی نداشتن ایشان به این منبع روایی باشد.

علامه مجلسی از دستیابی به دو نسخه قدیمی از این اثر در هنگام تألیف **بحار الانوار** خبر می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۸). بعد از این دوران، حیات مجدد این منبع روایی شروع و اصل کتاب مد نظر قرار گرفته و روایات آن در منابع روایات تفسیری ذکر شده است. در این دوره تفاسیری مانند **البرهان**، **نور الثقلین** و منابع روایات فقهی مانند **وسائل الشیعه**، **مستدرک الوسائل** و **جامع احادیث الشیعه** و منابع دیگری مانند **بحار الانوار** و به علت

صبغه فقهی، بخش قابل توجهی از روایات آن در تألیفات فقهی دوره صفویه و بعد از آن در کتبی مانند *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، نوشته شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶ق)؛ *عنائم الأیام فی مسائل الحلال و الحرام*، تألیف میرزای قمی (۱۲۳۳ق)؛ *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*، نوشته مولی احمد نراقی (۱۲۴۵ق) و تألیفات فقهی دیگر و به‌طور طبیعی در تألیفات تفسیری این دوره و بعد از آن، مانند *الصابغی و کنز الدقائق* باز نشر یافته است. این مقاله کوشیده است تا با تحلیل محتوایی بخشی از روایات این منبع، در ارزیابی کتاب و تعیین جایگاه و اعتبار احادیث آن و جایگاه علمی مرحوم عیاشی و نقش آن جناب در حفظ و حراست از کیان حدیث شیعه و نقش کسی که کتاب به همت او به نسل‌های بعد انتقال یافته، قدمی بردارد.

## ۲. تحلیل محتوایی روایات «تفسیر عیاشی»

تأمل در محتوای روایات *تفسیر عیاشی* نشان می‌دهد که روایات آن به چند دسته قابل تقسیم است. این دسته‌بندی و تحلیل می‌تواند ما را در ارزش‌گذاری این منبع روایی و شناخت بهتر حوزه حدیثی ماوراءالنهر و در مقیاسی وسیع‌تر، خراسان بزرگ و خدمات جناب محمد بن مسعود عیاشی در حفظ و ضبط میراث حدیثی شیعه و اهمیت کار کسی که این اثر را استنساخ کرده است، کمک کند.

### ۲-۱. دسته‌بندی احادیث تفسیر عیاشی

احادیث این منبع روایی را بر اساس اشتراک احادیث بین این منبع با منابع معاصر آن یا انحصار احادیث به این منبع می‌توان مد نظر قرار داد و آنها را دسته‌بندی کرد و بر اساس تعداد احادیث مشترک یا انحصاری، این منبع روایی را ارزش‌گذاری نمود و درباره میزان تأثیرگذاری آن و نقش مؤلف و مستنسخ آن در حفظ میراث حدیثی شیعی دآوری کرد. اشتراک و انحصار مد نظر ممکن است در سند و متن حدیث یا هر دو باشد. مقصود از «متن مشترک» نقل لفظ به لفظ یک متن نیست، اگرچه از این نمونه هم در آن یافت می‌شود، بلکه مراد متنی است که با تفاوت‌هایی اندک همراه است، ولی اهل فن آنها را یک حدیث می‌شمارند و مقصود از «سند انحصاری» در *تفسیر عیاشی*، مقدار سندی است که ناسخ قبل از نقل حدیث ذکر کرده است.

بر این اساس چهار صورت قابل تصور است:

۱. احادیثی که در این منبع و منابع معاصر آن با سند و متن مشترک نقل می‌شود.
۲. احادیثی که در *تفسیر عیاشی* و منابع معاصر آن با متنی مشترک، ولی از روایان متفاوت نقل می‌شود.
۳. احادیثی که در منابع معاصر عیاشی ذکر می‌شود از آنها به میان نیامده و اختصاصاً از طریق *تفسیر عیاشی* به دست ما رسیده است.
۴. احادیثی که دارای سند مشترک و متن مختلف باشد؛ اما این فرض نتیجه‌ای علمی در پی ندارد و از آن صرف‌نظر می‌گردد.

البته احادیثی هم هست که در این کتاب نیامده که خود می‌تواند موضوع تحقیق جداگانه‌ای قرار گیرد. در ادامه، سه دسته اول احادیث تفسیر عیاشی بررسی می‌گردد:

#### ۱-۲. احادیث مشترک از حیث متن و سند

یک دسته از احادیث تفسیر عیاشی با متن و سند واحد در منابع معاصر با این منبع نقل شده و از محتوا و سندی مشترک با منابع معاصر خود برخوردار است. این دسته از احادیث که بخش قابل توجهی از روایات این منبع را تشکیل می‌دهد، حاکی از گستره رواج حدیث شیعی و ابلاغ آن به مناطق دور افتاده از مراکز علمی شیعه است و نشان از تلاش گسترده محدثان و عالمان شیعی دارد. چنان که گفته شد، تعداد این دسته از احادیث حجم قابل توجهی از این کتاب تفسیر روایی را تشکیل می‌دهد.

برای نمونه در تفسیر عیاشی آمده است:

عن أحمد بن محمد عن أبي الحسن عليه السلام قال: كان علي بن الحسين عليه السلام يلبس الثوب بخمس مائة ديناراً، والمطرف بخمسين ديناراً يشتو فيه. فإذا ذهب الشتاء باعه و تصدق بئمنه (عیاشی، ج ۲، ص ۱۶، ح ۳۴).

مقصود از «احمد بن محمد» در سند، جناب بزنتی از اصحاب امام هشتم علیه السلام است.

این حدیث در تألیفات معاصر عیاشی، از جمله در کتاب *قرب الاسناد حمیری* (م ۲۵۰ به بعد) از طریق بزنتی نقل شده است:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرُّضَا عليه السلام فِي حَدِيثٍ: «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ يَلْبَسُ الْجُبَّةَ الْخَزَّ بِخَمْسِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَالْمِطْرَفَ الْخَزَّ بِخَمْسِينَ دِينَاراً فَيَشْتُو فِيهِ. فَإِذَا خَرَجَ الشِّتَاءُ بَاعَهُ وَتَصَدَّقَ بِئَمْنِهِ» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۷).

برای ملاحظه نمونه‌های دیگر، ر.ک. عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۴، ح ۳۱ و قس. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۵۱، ح ۴؛ عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۷ ح ۶۷ و قس. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ح ۸؛ ص ۱۵۸؛ عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۷، ح ۷ و قس. طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۴؛ عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۲ و قس. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۶، ح ۱۸؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۴ و... .

با اطمینان می‌توان گفت: بیش از نیمی از مجموع قریب به ۲۷۰۰ حدیث نقل شده در تفسیر عیاشی دارای این ویژگی است؛ یعنی با سند و متنی واحد در منابع معاصر وی نقل شده است. وجود این دسته احادیث در تفسیر عیاشی موجب افزایش اطمینان بیشتر به نقل‌های موجود در سایر منابع است.

#### ۲-۱-۲. احادیث مشترک از حیث متن و متفاوت از حیث سند

دسته دیگر از احادیث نقل شده در تفسیر عیاشی احادیثی است که صرفاً از نظر متن با منابع معاصر آن مشترک است، ولی سند آن و روایان متن با منابع دیگر تفاوت دارد. این دسته از احادیث حاکی از راه پیدا کردن اصول حدیثی دیگر به این مناطق یا - دست‌کم - بقای اصول حدیثی دیگر در حوزه حدیثی خراسان بزرگ است و ما اکنون با

واسطه تفسیر عیاشی به روایات آن اصول دسترسی پیدا کرده‌ایم و - در واقع - مؤید روایاتی است که از متنی مشترک با آنها برخوردار است.

این دسته از احادیث موجب افزایش اطمینان نسبت به صدور احادیث دیگر و استفاضه آنها می‌گردد. همچنین این دسته و دسته قبل برای تشخیص برخی خلل‌های راه‌یافته در سند یا متن احادیث (مانند تصحیف، تحریف و تقطیع) که گاه فهم حدیث را با مشکل مواجه می‌سازد، مفید و راهگشاست.

برای نمونه، مرحوم عیاشی از مسعدة بن صلقه از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است:

عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبدالله عليه السلام: «من زعم أن الله أمر بالسوء والفحشاء فقد كذب على الله، و من زعم أن الخير والشر بغير مشيئة منه فقد أخرج الله من سلطانه، و من زعم أن المعاصي عملت بغير قوّة الله فقد كذب على الله، و من كذب على الله أدخله الله النار» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱، ح ۱۴۰).

مرحوم کلینی همین متن را از طریقی دیگر نقل کرده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَفْصِ بْنِ فَرْطُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ بغيرِ مَشِيئَةِ اللَّهِ فَقَدْ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ سُلْطَانِهِ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْمَعَاصِيَ بغيرِ قُوَّةِ اللَّهِ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ أُدْخِلَهُ اللَّهُ النَّارَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۸، ح ۶).

یا در تفسیر عیاشی آمده است:

عن زيد بن أبي أسامة، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: سألته عن قول الله «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»، قال: «هو الذنب يهيم به العبد فيتذكر فيدعه» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۲۸).

مرحوم کلینی در *الکافی* این روایت را از *ابی بصیر* نقل می‌کند:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»، قَالَ: «هُوَ الْعَبْدُ يَهِيْمُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيَمْسِكُ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ: "تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ"» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۳۵، باب التوبة).

در روایتی دیگر در تفسیر عیاشی آمده است:

عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: «فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا» قال: «هو آدم و حواء إنما كان شرهما شرك طاعة، و ليس شرك عبادة» و في رواية أخرى: «و لم يكن شرك عبادة» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۱۲۵).

در تفسیر قمی این متن با سندی دیگر آمده است:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ «فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا» فَقَالَ: «هُوَ آدَمُ وَ حَوَاءُ وَ إِنَّمَا كَانَ شُرُكُهُمَا شُرُكَ طَاعَةٍ، وَ لَمْ يَكُنْ شُرُكَ عِبَادَةٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله: "هُوَ الَّذِي خَلَقَكَ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ" إِلَى قَوْلِهِ "فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ"». قَالَ: «جَعَلَا لِلْحَارِثِ نَصِيبًا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَ لَمْ يَكُنْ أَشْرَكَ إِبْلِيسَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ» (قمی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۳).

برای ملاحظه موارد دیگر، ر.ک. عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۶، ح ۴ و قس. طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۳۷۶؛ عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۷، ح ۵ و قس. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳۹، ح ۳ و...

### ۳-۱-۲. احادیث انحصاری تفسیر عیاشی

دسته سوم احادیثی است که انحصاراً از طریق تفسیر عیاشی به دست رسیده و منابع معاصر با این تفسیر فاقد آن روایات هستند.

برای نمونه، در این کتاب ذیل عنوان «فضل القرآن» هجده حدیث نقل شده که شش حدیث آن فقط از طریق عیاشی به ما رسیده است. همچنین ذیل باب «ترك رواية التي بخلاف القرآن» هفت روایت نقل شده که سه تای آن اختصاصاً از طریق عیاشی در اختیار ما قرار گرفته است.

همچنین در تفسیر عیاشی ذیل سوره اعراف، ۱۳۷ حدیث نقل شده است. از این تعداد، پنجاه حدیث (عیاشی، ۱۴۲۱، ذیل سوره اعراف، ح ۳، ۴، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲-۲۵، ۲۷-۳۰، ۳۷، ۳۹، ۴۷-۴۹، ۵۵-۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۷-۷۰، ۷۲-۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۳-۸۵، ۸۹، ۹۱-۹۲، ۹۵-۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۲۹) صرفاً از طریق عیاشی به ما گزارش شده است.

ذیل سوره انفال، ۸۷ حدیث نقل شده که از این تعداد ۲۶ حدیث (ذیل سوره انفال، احادیث ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۲۰-۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۴۰، ۴۱-۴۳، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۷، ۵۹-۶۲، ۷۰-۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۶) فقط از طریق عیاشی و تفسیر او به ما رسیده است.

ذیل آیات سوره توبه، ۱۶۶ روایت نقل شده که از این تعداد ۴۶ حدیث (ذیل سوره توبه، احادیث ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۳-۱۹، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۶۷، ۷۱، ۸۴، ۸۵، ۹۰-۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۶-۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸) فقط از طریق تفسیر عیاشی نقل شده و منابع معاصر این تفسیر فاقد آن احادیث هستند.

از مجموع ۳۹۰ حدیث نقل شده در سوره‌های اعراف، انفال و توبه، ۱۲۲ حدیث فقط از طریق تفسیر عیاشی نقل شده و بعد از احیای آن، دوباره در منابع دیگر بازنشر یافته است. این نکات نشان از خدمت بزرگ این مفسر محدث و نیز استسناخ‌کننده کتاب به شیعیه و عالم اسلام دارد. در ادامه، به چند نمونه از احادیث دسته سوم اشاره می‌شود:

### ۳-۱-۲. نمونه اول

۱. عن محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الرضا عليه السلام في قول الله «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ» الى قوله «إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ» قال: «إِذَا سَمِعْتَ الرَّجُلَ يَجْحَدُ الْحَقَّ وَيَكْذِبُ بِهِ وَيَقَعُ فِي أَهْلِهِ فَقِمْ مِنْ عِنْدِهِ وَلا تَقَاعِدْ» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۸۱).

۲. عن شعيب العرقوفی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ» الى قوله «إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ» فقال: «إنما عنى الله بهذا إذا سمعت الرجل يجحد الحق ويكذب به ويقع فى الأئمة فقم من عنده ولا تقاعده كانوا من كان» (همان، ج ۱، ص ۲۸۲).

روایت شعیب عقرقوفی از امام صادق علیه السلام بدون تفاوت در *الکافی* (کلینی، ۱۴۳۹ق، ج ۴، ص ۱۲۷) نیز آمده، اما روایت محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام فقط توسط نقل عیاشی برای ما محفوظ مانده است.

۲-۳-۲. نمونه دوم

در تفسیر عیاشی آمده است:

عن إسماعيل بن أبي زياد عن جعفر بن محمد عن أبيه عن أبائه عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «وَالنَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ» قال: «هو الجدى؛ لأنه نجم لا نزول و عليه بناء القبلة و به يهتدى أهل البر و البحر».

عن إسماعيل بن أبي زياد عن أبي عبد الله عليه السلام في قول «وَعَلَامَاتٍ وَ النَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ» قال: «ظاهر و باطن الجدى و عليه تبنى القبلة و به يهتدى أهل البر و البحر؛ لأنه لا يزول» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۵۶).

این دو روایت از طریق تفسیر عیاشی به منابع متأخر (از جمله: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۶۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۰۷، باب «وجوب العمل بالجدي في معرفة القبلة» راه یافته و در منابع معاصر با تفسیر عیاشی نقل نشده است. در بررسی‌های انجام گرفته، دیده نشد که در منابع فقهی قبل از قرن هشتم، به خصوص این دو روایت استدلال شده باشد.

برای نمونه، مرحوم محقق اردبیلی در *زبدة البيان* (تألیف ۹۸۹ق) اصلاً به این روایت اشاره نکرده، بلکه به گونه‌ای سخن گفته که غیر از دو روایتی که خود او اظهار داشته، روایت دیگری نقل نشده است (ر.ک. اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۵ - ۶۶) و شاید این نشان از عدم دسترسی ایشان به تفسیر عیاشی باشد.

۲-۳-۳. نمونه سوم

نمونه دیگری از روایات انحصاری این منبع روایی مربوط به حد سرقت است. در زمان معتصم عباسی سارقی به جرم خود اعتراف نمود. معتصم از حاضران در جلسه درباره حدی که باید برای او جاری شود، نظرخواهی کرد و در ادامه رو به امام هادی علیه السلام کرد و نظر ایشان را جویا شد. امام علیه السلام بعد از اصرار معتصم چنین فرمودند:

إني أقول: إنهم أخطؤوا فيه السنة، فإن القطع يجب أن يكون من مفصل أصول الأصابع، فيترك الكف». قال: و ما الحجة في ذلك؟ قال: «قول رسول الله صلى الله عليه وآله: السجود على سبعة أعضاء: الوجه و اليدين و الركبتين و الرجلين. فإذا قطعت يده من الكرسوع أو المرفق لم يبق له يد يسجد عليها، و قال الله تبارك و تعالى: "وَأَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ"؛ يعنى بهذه الأعضاء السبعة التى يسجد عليها "فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا"؛ و ما كان لله لم يقطع». قال: فأعجب المعتصم ذلك و أمر بقطع يد السارق من مفصل الأصابع دون الكف... (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰، ج ۱۰۹).

در مجمع البيان آمده است:

و روى أن المعتصم سأل أبا جعفر محمد بن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن قوله "وَأَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ" فقال: «هى الاعضاء السبعة التى يسجد عليها» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۳۷۲، ذیل آیه ۱۹ سوره جن).

با تسامح می‌توان پذیرفت آنچه در مجمع البيان آمده بخش اندکی از روایت فوق است.



مرحوم علامه طباطبائی این روایت را به‌طور کامل نقل کرده و بعد گفته است:

و رویت القصة بغیره من الطرق، و إنما أوردنا الروایة بطولها کبعض ما تقدمها من الروایات المتکررة لاشتمالها علی أبحاث قرآنیة دقیقة یستعان بها علی فهم الآیات (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۳۵).

روایت مزبور در منابع روایات تفسیری فراهم‌آمده در عصر صفوی بازتاب یافته است (بحرانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۹۷، سوره مائده: آیات ۳۸-۳۹؛ حویزی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۶۲۹ سوره مائده: آیات ۳۵-۴۰؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۱۲، سوره مائده: آیات ۳۶-۴۱).

این روایت در منابع روایات فقهی دوره صفویه به نقل از عیاشی وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۹ و ج ۱۲، ص ۹۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۷۱) و در نقل از تفسیر عیاشی بازتاب داشته و در مباحث فقهی نقش آفرین بوده است (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۱۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۱).

#### ۴-۳-۲. نمونه چهارم

نمونه دیگر از روایات انحصاری تفسیر عیاشی این روایت است:

عن أبان بن تغلب قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: «أتى الله أعطى من أعطى من أكرمه عليه، و منع من منح من هوان به عليه؟ لا ولكن المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع، و جوز لهم أن يأكلوا قسداً و يشربوا قسداً، و یلبسوا قسداً، و یركبوا قسداً، و یعودوا بما سوى ذلك علی فقراء المؤمنین و یلموا به شعتهم، فمن فعل ذلك كان ما يأكل حلالاً و یشرب حلالاً، و یركب حلالاً، و ینكح حلالاً، و من عدا ذلك كان علیه حراماً، ثم قال: «و لا تُسرفوا إنه لا یحبُّ المُسرفین». أتى الله اتمن رجلاً علی مال خول له أن یشتری فرساً بعشرة آلاف درهم و یجزیه فرس بعشرين درهماً و یشتری جاریة بألف دینار و یجزیه جاریة بعشرين دیناراً و قال: «و لا تُسرفوا إنه لا یحبُّ المُسرفین» (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۳، ح ۲۳).

مرحوم علامه ذیل بحث روایی درباره آیه ۳۱ سوره اعراف، روایات متعددی را ذکر کرده و در ادامه اینچنین آورده: «أقول: و الروایات فی هذه المعانی كثيرة جداً، و من أجمعها معنی الروایة الآتیة» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۹۳) و سپس روایت اخیر را نقل کرده است.

این روایت در منابع روایات تفسیری گردآمده بعد از دوره صفویه (مانند البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۳، ذیل سوره اعراف، آیه ۳۱) و تفاسیر روایی این دوره (مانند الصافی، ج ۲، ص ۱۹۰، ذیل سوره اعراف، آیه ۳۱؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۷۰، ذیل سوره اعراف، آیات ۲۷-۳۲) و منابع روایات فقهی (وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۵۰، ب ۲۳ «کراهة المغلاة فی أثمان الإبل و...»؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۰، ب ۲۳ «حد الإسراف و التقتیر...») و سایر منابع نگاشته شده در این دوره (مانند بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵، ب ۷۸ «فی ذم الإسراف و التذیر...»؛ ج ۷۶، ص ۳۰۴، ب ۱۰۹ «التحمل و إظهار النعمة و لبس الثیاب...»؛ سفینة البحار، ج ۴، ص ۱۳۲، ب «علامات المسرف...»، ص ۱۳۱) باز نشر یافته است.

این روایت در تألیفات فقهی (مانند *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية*، ج ۴، ص ۲۹۷؛ *حواریات فقهیه*، ج ۱، ص ۳۰۴؛ *الفتاوی المیسرة*، ص ۳۹۲) نیز بازتاب یافته است.

برای ملاحظه مواردی دیگر از روایات انحصاری، رک. عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶؛ همان، ص ۳۶۷ و ۳۶۸ و ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۹۱ و ص ۳۳۱-۳۳۰، ح ۱۵۰ و ج ۲، ص ۳۲، ح ۹۱ و ص ۵۳؛ همان، ص ۶۴، ح ۱۰ و ص ۸۵، ح ۴۰ و ص ۱۰۵، ح ۱۰۱ و ص ۱۰۶، ح ۱۱۱ و ص ۲۹، ح ۸۱ و ... .

این روایات انحصاری پس از آنکه *تفسیر عیاشی* در پی تلاش‌های علامه مجلسی احیا شد، در منابع روایی فقهی و تفسیری گردآمده از دوره صفویه به بعد بازنشر یافت.

تحلیل و بررسی ۳۹۰ حدیث نقل شده ذیل سوره‌های اعراف، انفال و توبه نشان می‌دهد قریب ۱۲۰ حدیث (تقریباً یک چهارم از ۳۹۰ حدیث) اختصاصاً از طریق *تفسیر عیاشی* به دست ما رسیده و بر همین اساس می‌توان تخمین زد که از مجموع قریب ۲/۷۰۰ روایت نقل شده در این تفسیر، نزدیک به یک چهارم آن، یعنی قریب هفتصد حدیث دارای این ویژگی است.

اما احادیثی که انحصاراً از طریق *تفسیر عیاشی* به دست ما رسیده، خود به چند دسته تقسیم می‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

#### ۴-۱-۲. احادیث هماهنگ با معیارهای نقد حدیث

بخشی از روایات منحصر به فرد *تفسیر عیاشی* با قرآن، سنت و یا سایر معیارهای نقد حدیث هماهنگ است. این بخش پرتعداد است. مطابق بررسی انجام گرفته، از مجموع ۱۲۰ حدیث اختصاصی این تفسیر، ذیل سوره‌های اعراف، انفال و توبه، ۲۵ حدیث، یعنی قریب به یک پنجم آنها قابل خدشه و نقد است و چهار پنجم آنها پذیرفتنی است و عموماً در تفاسیری که حتی به حدیث با دید انتقادی نگاه می‌کرده‌اند، نقل شده و آیه بر اساس آنها تفسیر شده است.

این نکته نشانگر عظمت خدمت جناب *محمد بن مسعود عیاشی* (رضوان الله تعالی علیه) به معارف شیعی و حفظ و حراست از حدیث اهل بیت علیهم السلام و نشان‌دهنده جایگاه رفیع این منبع حدیثی است. همچنین رهین تلاش آن شخص بزرگواری است که به استنساخ این اثر همت گماشت و امکان دسترسی به این اثر را برای آیندگان هموار ساخت و به همین علت همصدا با برخی استادان (استادی، ۱۳۷۱، ص ۹۶) باید قدردان تلاش وی بود.

علاوه بر این، نشانگر دقت نظر علامه *طباطبائی* در معرفی و توصیف *تفسیر عیاشی* است، آنجا که درباره‌اش نوشته است:

و ان من أحسن ما ورتناه من ذلك كتاب التفسير المنسوب الى شيخنا العياشي - رحمه الله - وهو الكتاب القيم الذي يقدمه النشر اليوم الى القراء الكرام. فهو لعمرى أحسن كتاب ألف قديما في باب، و أوثق ما ورتناه من قدماء مشايخنا من كتب التفسير بالمأثور (عیاشی، ۱۴۲۱، مقدمه، ص ۳).

و این توجیه‌کننده تلاش‌هایی است که می‌تواند بر روی این اثر انجام پذیرد.

## ۵-۱-۲. احادیث ناهماهنگ با معیارهای نقد حدیث

بخشی از احادیث انحصاری *تفسیر عیاشی* بسان احادیث سایر منابع، روایاتی است که با کتاب، سنت یا سایر معیارهای نقد حدیث هماهنگ نیست. این روایات در موضوعاتی همچون تحریف قرآن (ر.ک. عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۳، ج ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ص ۱۲، ح ۱۰ و ص ۱۸۰، ح ۷۳ و ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۴۷)، غلو و مانند آن نقل شده و با تجدید حیات این منبع روایی، در منابع روایی تفسیری یا فقهی یا تألیفات تفسیری و فقهی گردآمده از عصر صفوی به بعد بازنشر یافته است. این نکته اگرچه نقطه ضعفی برای این تألیف است، اما فقط مقتضی هوشیاری بیشتر استفاده‌کنندگان است؛ امری که ضرورت آن در هیچ مجموعه حدیثی قابل تردید نیست.

در یک نگاه کلی در این باره می‌توان گفت: در *تفسیر عیاشی* ذیل سوره انفال، ۸۷ حدیث نقل شده است. از این تعداد ۲۶ حدیث فقط از طریق این تفسیر برای ما نقل شده و منابع معاصر این تفسیر فاقد آن احادیث است. از این تعداد ۲۳ حدیث دارای محتوایی قابل پذیرش است و تنها ۴ مورد آن قابل نقد است.

همچنین ذیل سوره اعراف، ۱۳۷ حدیث نقل شده است. از این تعداد ۵۰ حدیث فقط از طریق *عیاشی* به دست ما رسیده و از این تعداد، ۳۹ حدیث آن پذیرفتنی و ۱۱ تای آن نقدپذیر است.

ذیل آیات سوره توبه نیز ۱۶۶ روایت نقل شده و از این تعداد ۴۶ حدیث فقط از طریق *تفسیر عیاشی* برای ما روایت گردیده و از این تعداد ۳۶ مورد پذیرفتنی و ۱۰ مورد آن نقدپذیر است.

از مجموع ۱۲۰ حدیث اختصاصی *تفسیر عیاشی* در سه سوره اعراف، انفال و توبه، ۲۵ حدیث (یعنی قریب یک پنجم آنها) با معیارهای محتوایی پذیرش حدیث ناهماهنگ و قابل مناقشه به نظر می‌رسد که قطعاً برخی از آنها توجیه‌پذیرند و چهار پنجم (یعنی ۹۵ حدیث) آن پذیرفتنی است و این نشان از خدمت بزرگ این مفسر محدث و مستنسخ آن به شیعه و عالم اسلام است.

نکته قابل توجه اینکه میزان بازنشر احادیث اختصاصی *تفسیر عیاشی* در منابع روایی متأخر، متفاوت است. این تفاوت در منابع روایات فقهی لازم است؛ زیرا چنین نیست که همه این روایات مناسب نشر در مجموعه‌های روایی فقهی باشد و قطعاً کسانی همچون صاحب *وسائل الشیعه* یا صاحب *مستدرک الوسائل* یا *جامع احادیث الشیعه* روایات فقهی این مجموعه را گزینش کرده و در کتاب خود بازنشر داده‌اند.

ولی این نکته در منابع روایات تفسیری یا کتابی جامع مانند *بحار الانوار* جای تأمل دارد. طبیعی مسئله چنین است که همه روایات تفسیری *عیاشی* در جوامع روایات تفسیری مانند *البرهان* و *نور الثقلین* بازتاب یابد و همین احادیث به علاوه احادیث غیر تفسیری در کتابی جامع مانند *بحار الانوار* نقل شود؛ ولی چنین نیست. روایات متعددی در نسخه کنونی *تفسیر عیاشی* هست که در برخی از منابع نام‌برده نیامده است.

البته می‌توان گفت: کمتر روایتی در *تفسیر عیاشی* هست که در کتاب‌های *البرهان* و *بحار الانوار* نقل نشده باشد؛ ولی این نسبت در کتاب‌های *نور الثقلین* و *کنز الدقائق* و *الصفای* بیشتر است. خاستگاه این تفاوت شاید

گزینش احادیث توسط مؤلفان باشد و شاید اختلاف نسخ *تفسیر عیاشی* که در اختیار هریک از مؤلفان بوده - که این موضوع شایسته تحقیق است. این تفاوت در نقل روایات ناهماهنگ با معیارهای نقد حدیث (مانند تحریف قرآن یا غلو) نیز مشهود است، ولی تعیین معناداری این تفاوت نیازمند پژوهشی مستقل است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، می‌توان تخمین زد که از مجموع قریب ۲/۷۰۰ روایت نقل شده در *تفسیر عیاشی* نزدیک به یک چهارم آن (یعنی قریب به هفتصد حدیث) اختصاصاً از طریق *تفسیر عیاشی* به دست ما رسیده و در پی تلاش‌های علامه *مجلسی* در احیای این اثر، در منابع روایی گردآمده بعد از دوره صفویه بازنشر یافته است.

بی‌تردید، این نکته نشانگر عظمت خدمت جناب محمد بن مسعود *عیاشی* (رضوان الله تعالی علیه) به معارف شیعی و حفظ و حراست از حدیث اهل بیت علیهم‌السلام و نشان‌دهنده جایگاه رفیع این منبع حدیثی و نیز رهین تلاش بزرگواری است که به استنساخ این اثر همت گماشت و امکان دسترسی به این اثر را برای آیندگان هموار ساخت.

## منابع

- اردبیلی، احمد، بی تا، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، تهران، مکتبه المرتضویه.
- استادی، رضا، ۱۳۷۱ش، *چهل مقاله*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- بحرانی، هاشم، ۱۳۷۴ش، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثه.
- حسکانی، عبدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۴۲۱ق، *تفسیر عیاشی*، قم، مؤسسه بعث.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰ق، *تفسیر عیاشی*، تهران، المطبعه الاسلامیه.
- فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مشهدی، محمدبن محمدرضا، ۱۳۶۸ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اراکی، محمدعلی، ۱۴۲۱، *کتاب الصلاه*، قم، دفتر آیت الله اراکی.
- بابائی، علی اکبر، ۱۳۸۱ش، *مکاتب تفسیری*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- استادی، رضا، ۱۳۸۱، *آئینانی با تفاسیر*، قم، قدس.
- حمیری، *قرب الإسناد* (ط - الحدیث)، ۱۴۱۳، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷، *الکافی* (ط. الإسلامیه)، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ *وسائل الشیعه*، قم، آل البيت علیهم السلام.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سیدعلی، ۱۴۱۸، *ریاض المسائل*، قم، آل البيت علیهم السلام.
- خوانساری، سیداحمد، ۱۴۰۵، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، قم، اسماعیلیان.
- گلپایگانی، محمدرضا، ۱۴۱۲، *الدر المنضود فی احکام الحدود*، قم، دار القرآن.
- منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۹، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه*، قم، تفکر.
- حکیم، سیدمحمدسعید، ۱۴۱۶، *حواریات فقهیه*، بیروت، مؤسسه المنا.
- سیستانی، سیدعلی حسینی، ۱۴۱۶، *الفتاوی المیسرة*، قم، دفتر آیت الله سیستانی.